



بررسی طلاق عاطفی در بین زنان متاهل شهر لردگان

زینب نوروزی، عمران کیانی

کارشناس روانشناسی

مدرس دانشگاه علمی کاربردی و دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد

چکیده:

خانواده یکی از مهمترین ارکان ساختار جامعه است که با ازدواج شکل می گیرد و از هم گسیختگی آن شرایط ناهنجاری را خلق می کند که از جمله آنها می توان فساد اجتماعی، اعتیاد، خودکشی و ... نام برد. این از هم گسیختگی را یا طلاق که همراه با ازدواج وجود داشته چنین تعریف می شود.

فسخ رسمی و قانونی پیوندی که رسمی بوده است و یا جدایی زن و شوهری که پس از چند سال زندگی زناشویی شکل می گیرد از جمله عواملی که باعث به وجود آمدن طلاق می شود شامل: عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، روانی و زیستی می باشد که هر کدام دارای زیر شاخه هایی است.

در این تحقیق سعی شده است که نظریات مربوط به امر طلاق در فصل سوم و عوامل طلاق در فصل دوم بیان شده است و هر کدام را توضیح داده ایم. امیدواریم که این امر طلاق در فصل های آینده رو به کاهش باشد تا بتوانیم یک جامعه ای منسجم با عقاید و ایده های متفاوت داشته باشیم.

واژه های کلیدی: طلاق، عاطفی، خانواده، ازدواج، متاهل، خانواده

مقدمه

بررسی آسیب ها در خانواده از این رو اهمیت دارد که خانواده نخستین نهاد اجتماعی است که با آن روبه رو می شویم و از درونش حیات اجتماعی را تجربه و آغاز می کنیم، از سوی دیگر بیشترین تأثیر را بر کودک که دوران اولیه حیات را می گذرانند، وارد می سازد و این تأثیر تا پایان حیات پایایی دارد. سوم آنکه از روزنه ی حیات اجتماعی هرگز جامعه ای به سلامت دست نمی یابد مگر آنکه از خانواده ای سالم برخوردار باشد. خانواده به تعبیر کلود لوی اشتراوس، موجبات برخورد فرهنگ و طبیعت را فراهم می آورد. در طول تاریخ مشخص شده است که هر زمان خانواده دچار آسیب شده است، هرگز نمی توان انتظار جامعه سالم را داشت (ساروخانی ۱۳۸۴: ۳۲). طلاق، به عنوان یک آسیب اجتماعی، بر ساختار خانواده اثر گذاشته و پیامدهای متعددی از آن در جامعه بر جای می گذارد و کارکردهای مناسب را به کارکردهای نامناسب تبدیل نموده و مسائل بی شماری را به وجود می آورد. کارکردهای پنهان و نامناسب پدیده ی طلاق در طبقات اجتماعی موجب شده است تا ازدواج کاهش یابد. علاوه بر کاهش ازدواج مسائل متعددی را برای جامعه به وجود آورده است، زیرا طلاق در طبقات اجتماعی به یک مسئله جدی تبدیل شده و با گسترش خود مشکلاتی را به جامعه تحمیل نموده است (آقاجانی، ۱۳۸۷: ۱۱). تحرک شدید طبقاتی، بحران های اقتصادی، تفاوت های فرهنگی در بین خانواده ها، بالا رفتن نیازهای مادی و معنوی، فقر اقتصادی، بیکاری، از هم گسیختگی، همه این مسائل موجب شده که خانواده کارکرد مناسب خودش را نتواند بدست آورد و آرامش، نظم، تعادل، سازگاری و وفاق اجتماعی در نهاد خانواده رو به کاهش باشد و این امر مشکلاتی را برای خانواده به وجود آورده است (همان: ۱۳). در مطالعات آکادمیک ایران به موضوع طلاق عاطفی به عنوان بعد پنهان طلاق زوجین کمتر توجه شده است و مطالعات بیشتر به موضوع طلاق رسمی پرداختند، بنابراین خلأ این گونه تلاش های علمی، جدی به نظر می رسد (پروین و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۳). جامعه ما در مسیر تغییراتی قرار دارد که چشم انداز دامنه آن چندان که باید روشن نیست، زیرا به واسطه ی جهانی شدن و پیشرفت های تکنولوژیک و فرآیند مدرنیته، ساختار اجتماعی خانواده ایرانی تحت تأثیر این دگرگونی قرار گرفته است. خانواده ایرانی با چالش های بسیاری روبه رو است که این چالش های بنیادی سطوح سرمایه ی اجتماعی خانواده را دستخوش تغییر نموده است. تحولاتی از قبیل، تغییر در جایگاه زنان، افزایش میزان طلاق، بالا رفتن سن ازدواج، کاهش میل به فرزندآوری و تغییرات در مرکزیت تصمیم گیری